

«پرسشگری»

آموختنی‌ها

۱. آشنایی با دانش‌اند ایرانی‌ها و مردمان بیرون»
۲. تعریف روحیه پرسشگری
۳. تشخیص عناصر سازنده جمله
۴. تأثیر علم در بهترین زندگی کردن



جعبه‌ی کلمات

کلمات مترادف

گرای: روی پی‌لور، ایمان پی‌لور	فزای: پی‌فزای، اضافه کن	حجیب:
میاسای: آسوده نباش، غافل نشو	رامش: آرامش، آسودگی	غریب: ناشناخته
گمان:	میفکن:	معلق:
بسی: بسیاری	ناخوش: بد، ناخوشایند	فیلسوف:
بی آرام: ناآرام	بی‌کاری: بی‌حاصلی	جهل: نادانی
کردگار: آفریننده، خدایوند	حمد:	واپسین:
هوا: میل، شوق	یکتا: یگانه، از صفات خدایوند	بالین:
صدمه:	نهاد:	گریزان: فراری
دانش‌اندوزی:	محروم: بی‌تعبیه	درگذرم: از دنیا بروم، بمیرم
	همواره: همیشه	پژوهشگر: محقق
	روی دادن:	فلان: اشاره به شخص نامعلوم

کلمات متضاد

مردمده = زنده	برنا = پیر	جاهل = عاقل	بیماری = سلامتی
---------------	------------	-------------	-----------------

کلمات هم‌خانواده

تعلق، معلق، متعلق	جهل، جاهل، مجهول، جهالت	شبهه، شباهت، تشبیه
	فیلسوف، فلاسفه، فلسفه	کاشف، کشف، اکتشاف



در دنیای هزاران سؤال پرسیده شده و گم شده وجود دارد؛ ولی دانشمندان و پژوهشگران، همواره دنبال پرسش های خود می روند و آن قدر می گردند تا پاسخ آن ها را پیدا کنند.

یکی از بزرگ ترین دانشمندان و فیلسوفان ایرانی «ابرهان یرونی» است که کتاب های زیادی درباره ی مسائل گوناگون ترشتم هندی زندگی ابرهان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد این دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی حقیقت اتفاقاتی بود که در افزایش روی می داد. او به کشف چیزهای ناشناخته علاقه ی بسیار داشت و از نادانی و جهل، گریزان بود.

وی در واپسین لحظات زندگی خود نیز در پی دانستن و علم بود تا جایی که یکی از دوستان دانشمندش که برای احوال بررسی بر بالین او آمده بود ابرهان با حالت بیگبونی از او در مورد مسائل علمی توضیح خواست.

دوست دانشمند به او می گوید: «دوست گرامی اکنون چه جای پرسش است!» ولی ابرهان می گوید:

«کدام یک از این دو بهتر است:

این که مسئله را بدانم و بپریم یا نادانسته و جاهل، درگذرم؟»

بخوان و بدان

درونا برنا به این کتابها دقت کن:

امروز پدر مشغول دهنی مسابقه فوتبال بود که برنا از مدرسه رسید پدر وقتی او را دید با خوشحالی گفت:

«تیم ایران بازی را برد.» برنا که از جریان مسابقه خبر نداشت پرسید: از کی برد؟ پدر گفت: «از تیم کشور مسابقه در همان موقع پایان مسای برنا را شنیده بود آمد و گفت: «پسرم دست نیشی برو مستقیمت و با بشوی و با طرف غذایی را که گذاشتم بردار بخور.»

برنا که خیلی گرسنه اش بود دور و برش را هلی گفت ولی طرف غذا را دید گفت: «ماهان! کجا گذاشتی؟» ماهان گفت: «روی سیز در حالی که طرف غذا را از روی سیز برمی داشتی به ما نشان گفت.» ماهان بهتر نبود جمله را کامل می گفتی تا این پدر دماغش نگرود؟»

یعنی طرف غذا را روی سیز گذاشتی.

ماهان که متوجه منظور برنا شد گفت: «اوه پسرم! ما باید جمله ها را کامل بیان کنیم تا بتوانیم منظورمان را درست برسایم.»

به اسودهای زیر توجه کن:



گاهی جمله‌ها با داشتن سه بخش کامل نیستند و به یک قسمت دیگری هم نیاز دارند تا پیام خود را به طور کامل برسانند. که به این قسمت «قید» گفته می‌شود.

مثال: مرضیه کیف زیبایی، به مادرش هدیه داد.
سعید درس امروز را از دوستش یاد می‌گیرد.

املا دان

یکی دیگر از روش‌های تقویت املا، ساخت کلمه با حروف در هم ریخته است.
الف: با حروف به هم ریخته‌ی داخل پراتنز با توجه به متن واژه‌ی مناسب بساز.

یکی از دانشمندانی که همیشه تشنه‌ی یادگیری و (ای ن دش ا ز و ن ا د) بوده،
ابورحان بیرونی است. او یکی از بزرگترین ریاضی‌دانان و (و ل ن ی س ف ا ف)
ایرانی است که کتاب‌های زیادی درباره‌ی مسائل گوناگون نوشت. همه‌ی زندگی ابورحان در
پناه (م ن ش ت گ ر ا) و رشد علم و دانش (ای پ س ر ا)
شد. این دانشمند بزرگ همواره در جست و جوی علت اتفاقاتی بود که در اطرافش روی می‌داد.
او به کشف چیزهای ناشناخته (ع ق ا ل ع ه) بسیار داشت و از نادانی و (ه
ل ج) (ای ن ز ا گ ر ا) بود. هنگامی که بحال‌های عمر او به
هفتاد و هفت رسید و در بستر بیماری، واپسین لحظه‌های زندگی را (د ن ی ذ گ م ی ا ر ا)
..... دوستی دانشمند برای (ای پ ل ح ا ا و س) بتر بالینش آمد.
ابورحان با همان حالت بیماری با کلمه‌هایی بریده و کوتاه از او خواهش کرد که پاسخ یکی از مسائل
علی را (ح ض ی و ت) دهد.
دانشمند گفت: «دوست گرامی! اکنون که در (ا ر ت ب س) بیماری هستی، چه
جای این پرسش است؟»
ابورحان با ناراحتی پاسخ داد: «کدام یک از این دو بهتر است: این که (س دل م ه)
را بدانم و بمریم یا ندانسته و جاهل، (گ ذ ر م ر ا)؟»



علوی

ب: درس رابخوان و در جاهای خالی کلماتی را قرار بده که حروف داده شده در آنها وجود داشته باشد.

پ: با توجه به متن درس برای هر یک از حروف کلمه پیدا کن و بنویس.

تمرین

۱ کلمات هم معنی را به هم وصل کن.



۲) درستی و نادرستی جملات زیر را مشخص کرده و در صورت نادرستی، درست آنها را بنویس.

الف: همه‌ی زندگی ابوریحان در راه گسترش و رشد علم و دانش سپری شد.

ب: هر کودک حق ندارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید.

پ: کلمه‌ی «مسائل» جمع واژه‌ی «مسئله» است.

ت: گوش انسان‌ها منتظر هزاران سؤال است.

۳) کلمات هم خانواده را در جاهای خالی بگذار.



جاهل	کشف	معلق	فلسفه
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>
<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>	<input type="text"/>

۳) نمودار جمله‌های زیر را کامل کن.

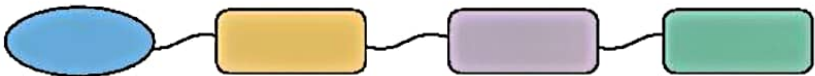
الف: دانش‌آموز ورقه را به معلمش داد.



ب: مادر فرزندش را در گهواره خواباند.



پ: دوستم توپ را از فروشنده گرفت.



پ: در کدام بیت‌های شعر «خرد و دانش، ر دیف به کار رفته است».....

بیشتر بدانیم

در بعضی مواقع فعل با توجه به جمله می‌تواند معانی متفاوت داشته باشد مانند:

او دستش درد گرفت. آسمان گرفت.

درنا دلش گرفت. او حقوق گرفت.

با استفاده از روش پرسشگری، درباره‌ی «ابوریحان بیرونی، اطلاعاتی بده.

.....

.....

.....

.....

با توجه به سؤالات داده شده، پاسخ مناسب را انتخاب کن.

الف: خورده در کدام گزینه به معنی «لغزیده» است؟

- (۱) علی غذا خورد. (۲) او غصه خورد. (۳) ریغ گول خورد. (۴) برنا لیز خورد.

ب: کدام یک از کلمات زیر غیر ساده نیست؟

- (۱) ناراحتی (۲) گریست (۳) گوشواره (۴) پژوهشگر

پ: در کدام گزینه، تضاد (کلمات مخالف) وجود دارد؟

- (۱) توانا بود هر که دانا بود. (۲) تن مُرده، چون تَرَد بی‌دانش است.
(۳) ز دانش دل پیر برنا بود. (۴) که نادان به هر جای، بی‌آرامش است.

ت: در کدام گزینه شباهت به کار رفته است؟

- (۱) تن مُرده، چون مرد بی‌دانش است (۲) چه ناخوش بود، دوستی با کسی
(۳) ز دانش میفکن، دل اندر گمان (۴) به دانش فرازی و به یزدان گزای

ث: بیت زیر از جمله تشکیل شده است؟

«بیاموز و بشنو ز هر دانشی بیایی ز هر دانشی، رامشی»

- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار



خوانش و پردازش

متن زیر را بخوان و به سوالات پاسخ بده.

روزی ابن سینا از جلوی آهنگری می‌گذشت، کودکی را دید که مقداری آتش نیاز دارد تا به خانه ببرد. آهنگر به پسر بچه گفت: باید ظرفی را از خانه بیاورد تا آتش را داخل آن بریزد. اما پسر بچه ابتکار جالبی به ذهنش رسید و مقدار خاک از زمین برداشت و در کف دستش ریخت به آهنگر گفت: این هم ظرف آتش را درون آن بگذار. ابن سینا که خودش نابغه بود متوجه خلایقیت و قوه بالای تجزیه و تحلیل ابن پسر بچه شد و به دنبال پدر و مادرش رفت و فهمید که ابن پسر بچه زرتشتی است. بوعلی از پدر و مادر آن بچه خواست که پسرشان را برای تعلیم به او بفرستند و آن‌ها هم قبول کردند. آن پسر بچه مدتی بعد از شاگردی نزد بوعلی مسلمان شد و از دانشمندان بزرگ گردید. نام آن بچه بنیامین است! (همان کسی که اگر شنیده باشید روزی به خاطر نبوغ بالای بوعلی به وی پیشنهاد داد که ادعای نبوت کند و بوعلی با امتحانی ساده او را متوجه اشتباهش کرد.)

الف: پسر بچه چه ظرفی برای آتش آماده کرد؟

ب: از کجای داستان متوجه شدیم که پسر بچه خلایقیت دارد؟

پ: کلمه، آن‌ها، که در متن مشخص شده به چه کسی اشاره دارد؟

ت: در مورد شاگرد بوعلی تحقیق کن و اطلاعات به دست آمده را در پاکت نامه بگذار و به کلاس بیاور.





ابوالقاسم فردوسی

فردوسی شاعر حماسه سرای ایران و سراینده‌ی شاهنامه، حماسه‌ی ملی ایران، است. فردوسی را حکیم سخن و حکیم طوس می‌گویند.



ابوریحان محمدبن احمد بیرونی

ابوریحان دانشمند ریاضی‌دان، همه چیزدان، ستاره شناس، تقویم شناس، انسان شناس، هند شناس و ... در سده‌ی چهارم و پنجم هجری است. بیرونی را از بزرگترین دانشمندان مسلمان و یکی از بزرگترین دانشمندان ایرانی در همه‌ی اعصار می‌دانند. همچنین او را پدر انسان شناسی و هند شناسی می‌دانند.

خودارزیابی

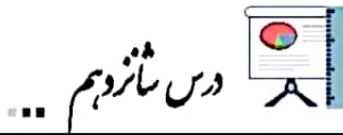
خیلی خوب خوب قابل قبول نیاز به تلاش

<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>

<input type="checkbox"/>	متن درس را روان می‌خوانم و لغات جدید را به درستی می‌نویسم.
<input type="checkbox"/>	سؤالاتم را از دیگران می‌پرسم و همیشه دنبال پیدا کردن پاسخ سؤالات هستم.
<input type="checkbox"/>	جملات چهار جزئی را تشخیص می‌دهم و لیست آن را هر هفته می‌کنم.
<input type="checkbox"/>	فردوسی شاعر بزرگ ایرانی را می‌شناسم.
<input type="checkbox"/>	شعر، نغمه و دانش، را به خوبی حفظ کرده‌ام.



جمعه کلمات درس شانزدهم کلمات هم معنی	
عجب - شگفت، غریب	حمد - ستایش، ستودن و ...
معاق - آوبران	نهاد - قرار داد، گذاشت
فیلسوف - دانشمند، عالم فلسفه	روی دادن - اتفاق افتادن
واپسین - آخرین، پایانی	گمان - شک، خیال
بالین - بستن، بالاش و ...	صحه - آسیب، زیان
میکن - نمیکند، نینداز	دانش‌دواری - علم آموزی، یادگیری و ..



املا دادن:

الف) دانش‌اندوزی - فیلسوفان - گسترش - سبزی - علاقه - جهل - گریزان - می‌گذرانید - احوال‌پرسی - توضیح - بستر - مسئله - درگدرم

(ب)

ع: علم - علاقه - علت - علامت - عجب - معلق

ه: جاهل - بهتر - مسئله - بریده - همواره - تشنه

(پ) به دلخواه دانش آموز

۱. معلق ← آویزان وابسین ← آخرین جاهل ← نادان گریزان ← شنایان

۲. الف) درست

(ب) نادرست، هر کودک حق دارد آزادانه فکر خود را به دیگران بگوید.

(پ) درست

(د) نادرست، گوش انسان‌ها منتظر هزاران جواب است.

۳. جهل، جهالت، جاهل

کشف، اکتشاف، کاشف

معلق، تعلقی، تعلقات

فلسفه، فیلسوف، فلاسفه

۴.

الف) دانش آموز ورقه را به معلمش داد

(ب) مادر فرزندش را در گهواره خواباند

(پ) دوستم توپ را از فروشنده گرفت

۵. باهوش - ریاضی‌دان - احوال‌پرسی - دانش‌اندوزی

نوشتن متن به عهده دانش آموز

۶. توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

به دانش فرای و به بزدان گرای که او باد، جان تو را رهنمای

بیاموز و بشنو ز هر دانشی، بیایی ز هر دانشی، رلمشی

میاسای از آموختن، یک زمان ز دانش بیفکی، دل اندر گمان

الف) فردوسی

(ب) برنا ← جوان

میاسای ← آسوده نمانش

بی رلمش ← بدون آرامش

ب) بیت اول، بیت آخر

توانا بود هر که دانا بود

تن مُرده چون مرد می‌دانش لست

۷. به دلخواه دانش آموز

۸

الف) گزینه «۴»

ب) گزینه «۲»

پ) گزینه «۳»

ت) گزینه «۱»

ث) گزینه «۴»

خونش و بردارش:

۹. الف) پسر بچه مقداری خاک را در کف دستش ریخت به عنوان طرف

ب) به عهده دانش آموز

پ) پدر و مادر پسر بچه

ت) به عهده دانش آموز

ز دانش دل ببر برنا بود

که نادان به هر جای، می‌رامش لست